



هنر اسلامی

دیوید تالبوت رایس

ترجمه‌ی ماه ملک بهار

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴

موضوعی خاص چون سفالگری، فلزکاری، نقاشی یا هرچه بتوان آن را در فصلی جداگانه بررسی کرد تنظیم شده است. هدف نویسنده آن است که آثار را طبق زبان و سپس بر مبنای سرزمین‌های جغرافیایی معرفی کند تا پیشرفت‌های رخ داده طی سده‌های طولانی و نیز تنوعات به وجود آمده در مناطق گوناگون را به تصویر کشد.

رایس با اشاره به اینکه شرح کامل فضای هنر اسلامی در چارچوب این کتاب کاری دشوار بوده است، در مورد زمان، داستان را در سده‌ی هفدهم به پایان می‌رساند. در مورد مکان نیز هندوستان را از این بررسی حذف کرده است، زیرا هنری که - بر مبنای آنچه در حدود ۱۴۰۰ میلادی عرضه شده - در هند به وجود آمده و گسترش یافته خطوط مشخصی را طی کرده است که با آنچه در سرزمین‌های دیگر روی داده تفاوت زیادی دارد.

رایس در فصول دوازده‌گانه ابتدا به هنر درنخستین سال‌های اسلام می‌پردازد و سپس هنر در دوران عباسی، هنر در ایران تا فتوحات مغول، اسپانیا، مصر و آفریقای شمالی تا سده‌ی ۱۲۰۰، بین‌النهرین، سده‌های دهم و سیزدهم میلادی، هنر اسلامی در سال‌های بعد: شمال آفریقا، اسپانیا و سیسیل، سلجوقیان روم، ترک‌های عثمانی، هنر ایرانی: اواخر سده‌ی چهاردهم و اوایل سده‌ی پانزدهم میلادی و اواخر دوران صفویه مورد بررسی قرار می‌گیرد. تقسیم‌بندی منطقه‌ای و زمانی آثار هنر اسلامی، که با تصاویر زیبایی همراه شده، به ارزش کتاب افزوده است. جدول تاریخ‌ها، کتابنامه و فهرست تصاویر بخش‌های پایانی کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

با اینکه ظهور اسلام، آغازگر مرحله‌ای مهم در تاریخ جهان به شمار می‌رود، اما تأثیر میراث فرهنگی عظیم ایالات فتح شده‌ی بیزانسی و شاهنشاهی ساسانی را که تا چندین سده‌ی بعد در جهان اسلام تداوم یافت نمی‌توان نادیده گرفت. و تا جایی که به هنر ارتباط پیدا می‌کند، این دو میراث، میراثی اساسی و بنیادی بوده است. برای فهم و درک هنر اسلامی و اشکالی که به وجود آورد و نیز چگونگی و شیوه‌ی آفرینش آنها، باید ابتدا این نکته روشن شود که آیا اعراب فاتح این سرزمین، سنت خاصی با خود به ارمغان آوردند؟ و آیا دین جدید پدید آورنده‌ی بعضی از نگره‌ها و اصولی بود که بیان هنری یافتند؟ و اینکه مسلمانان در سرزمین‌های فتح شده کدامین حرکت‌های هنری را ایجاد کردند. آیا ظهور هنر اسلامی از دل و دین دولت جدید گام به گام با سنت‌هایی بود که در مناطق گشوده شده وجود داشت یا از روند شتاب‌آمیز برخوردار بود؟ به نظر می‌رسد عرب‌های فاتح در ابتدا با سنت‌های اندک و آموزه‌های محدود هنری خود در جهانی رخنه کردند که، هم به لحاظ مضامین و قالب‌های هنری و واژگان عمومی خاص آن بسیار غنی می‌نمود و هم در این مقطع از تاریخ خود، بیان عمیقی از قالب‌ها و اشکال هنری خود داشت. اهمیت روش شناختی و کشش فکری هنری اسلامی، دست کم در مراحل تکوینی آن در برخورد بین کاربردهای بسیار پیچیده اشکال تجسمی و نظام نومذهبی - اجتماعی آن نهفته است.

رایس در کتاب حاضر سیر تاریخ هنر اسلامی را از نخستین سال‌های ظهور اسلام تا اواخر دوره‌ی صفویه، بررسی کرده است. این اثر برحسب منطقه‌ای خاص، یا